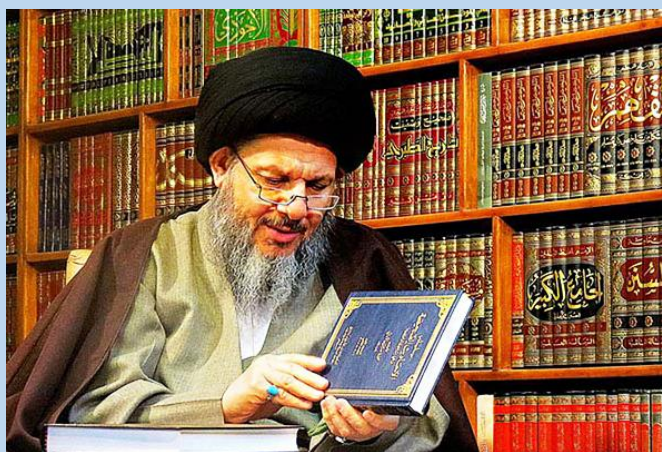


محمد عالم افتخار

جبر زمان کهکشان را بهم میریزد تا چه رسد به باور!

«فقه و حوزه قرن هفتمی به درد قرن 21 نمیخورد!»



«فهم قرآن؛ ثابت نیست؛ متغییر و زمانبند است» (آیت الله سید کمال حیدری)

<https://www.youtube.com/watch?v=KLVtEvlDdk>

«بالاخره یک آخوند با عمامه بزرگ یک کلمه حرف حساب زد!»؛
این جمله کشدار و سیر بار و پر معنی؛ اسم تعریف ویدیو کلیپ بالا میباشد که در یوتیوب
"فارسی" قابل دسترسی است. درین قطعه تصویری و آوایی؛ یکی از دانشمندان به نام و بسیار آموزش

دیده و خیلی ها صاحب آثار و تألیفات در مذهب تشیع؛ به راستی که "حرف حساب" بزرگ؛ جسورانه و با شکوهی دارد.

البته بزرگی؛ جسورانه بودن و شکوهمندی این "حرف حساب" مستقیماً متناسب است با مقام و پایگاه و جایگاه ویژه ای که این شخصیت شخیص حوزه ای و دینی و مذهبی داراست و گرنه این مورد نزد اندیشمندان محقق و "مجتهد" آزاده از مسلمترین مسلمات میباشد.

اتفاقاً دلایل و براهینی که این مورد؛ "حرف حساب" است نیز در خود همین ویدئو آشکار میباشد و از میان هزاران در هزاران ملا و مولوی و حجت الاسلام و آیت الله و علامه و چه و چه "به حق و ناحق" فقط نوادری قادر میشوند؛ این قدر اندیشه کنند و اهل منطق و صغرا و کبرا باشند که به نوامیس فضا- زمان و قوانین قاهره طبیعت و عالم عینی بشری در حدودی و با شروط و قیودی تمکین و توجه بورزند.

چنانکه خود این سخنور محترم میفرماید که به خاطر همین قدر حرف و حدیثی که علم کرده است؛ با خشم و خروش و مخالفت و مقاومت ... دین خویان و دین جلابان و فقیهان و مقلدان و "قال" خوانان حوزه ای و فراتر و فروتر مواجه گردیده است و معلوم نیست که این غایله ها را هم پایانی هست یا نیست.

اینکه آیا این "حرف حساب" و نگرش روشنبینانه معین بر واقعیت شوم تحجر و واماندگی و جاماندگی و فاسد گشتگی ی بینش ها و منش ها و کنش های اسلامیون که رفته رفته به معراج های تروریسم جهادپرستی و طالبانگیری و القاعده ای و داعشی هم کشیده و عالم بشری و جهان هستی را به چالش بزرگ مواجه گردانیده است؛ منجر به پاگیری یک نهضت «پروتیستانی» اسلامی میشود و از جمله فقه فوسیل شده این دیانت در همه مذاهب و فرق آنرا که به فرموده همین بزرگوار «همه مسایل را سیاه و سفید - کفر و اسلام و حرام یا حلال... می بیند» میتواند تکانی بدهد یا چطور؛ و از جمله آنرا به جهت فقه و حقوق «مراتبی و درجاتی» بهلاند یا نه؛ سخنی است بعدی.

پیشاپیش آنچه اهمیت و ارزش دارد همین است که دماغ هایی در درون حوزه ها و مغاک ها و مغاره های وامانده از زمان و زندگی و واقعیت و حقیقت و مغروقان در غرقاب های «قال و مقال» منجمله به برکت مسلمات ساینس و تکنولوژی معاصر قادر میشوند؛ به «حرف حساب» برسند و وخیمترین و پلید ترین بیماری ها و بدهنجاری ها و بدفرهنگی های گریبانگیر مذهب و دیانت و فرقه و قبیله خود را دریافت و فریاد نمایند!

آرزومندم این ویدیوی بسیار جالب و مهم و کمی نامنتظره را به دقت مورد توجه و مذاقه قرار دهید و به وسعت تکثیر نمایند. اگر توفیق دست داد در باره گسترده تر و ذو جوانب تر با هم شور خواهیم کرد!

**«خریدند تنت را و بریدند کفنت را
به یک آیه و چند سکه ببستند دهنش را...»**

از تبعات واماندگی و کهنگی فقه و فرهنگ تقلیدی و تبعیدی یکی از عمده ترین ها احکام و باور ها و سنت ها و منش ها و روش ها در برابر دختر و زن و مادر و همسر و خواهر میباشد. در یک کلمه؛ فرهنگ مردانه و مرد سالارانه که خود را در پناه جهل و بیسوادی عامه تلبیس قدسی و دینی و

الهیاتی بخشیده است؛ با آنچه بر زن روا میدارد که مادر است و به حکم طبیعت به وجود آورنده و پرورنده هر دو نیمه تمامی جوامع بشری؛ در مجموع جامعه و اهل آنرا سرگشته و گمراه و بیمار و معتاد خشونت و وحشیگری می گرداند.

البته این بدانمعنی نیست که بالاخره مردان و زنان چنین جوامع به یکسان آسیب می بینند و یا قادر به آسیب زدن به جنس مخالف خود در یک سطح مساوی میگردند. به سخن فشرده آسیب زنی اینگونه فرهنگ ها بر جنس زن طوری است و بر جنس مرد؛ طور دیگر. اگر از کم و بیش استثنا ها بگذریم؛ این فرهنگ ها زنان را به حقیر بودن و ضعیف بودن و حتی انسان درجه دوم بودن - اگر نگوئیم انسان نبودن!- باور مند میگردانند و مردان را بر عکس با روحیاتی تجهیز میکنند که با تعویل آن زنان ستم و فشار و محرومیت و بی حقی و بیچارگی مضاعف را متحمل میگردند تا جاییکه ادامه زندگانی نورمال در برهه های مختلفه برایشان منتها درجه دشوار میگردد.

در حال دیر زنده ماندن و زندگی کردن هم؛ دلمردگی و روانمردگی گویا حق و سهم اکثریت های بسیار وسیع زنان چنین جوامع است که یکی از چند مورد محدود نمونه مثال جهانی آن؛ همانا افغانستان کشورماست.

تغییر و تحول اساسی درین اوضاع و احوال؛ الزامات و راه ها و وسایل متعدد کار دارد ولی جبر ها و فشار های عملا موجود و معمول؛ همیشه به ناگیر منجر به ایجاد مقاومت ها و مبارزات و شورش ها و عصیان ها میگردد. عصیان علیه ظلم و ستم و توحش و تکبر مرد سالارانه در هنر و شعر و سرود و درام و سینما و تیاتر... نیز منعکس و متجلی میگردد و گاهی از نفوذ و تأثیر بالایی برخوردار میشود به ویژه که همزمان دو یا چند ملکه و ممارسه هنری دست در دست هم دهد.



درین استقامت؛ تازگی ها استعداد پر توان نوینی شگفته است. منظورم دوشیزه مژگان عظیمی خواننده جوان افغانستانی است که شعر و تصنیفی عصیانگرانه از شاعر زن نامدار معاصر فارسی فروغ فرخزاد را با صدای گرم و گیرایش به سرایش گرفته و بر علاوه با امکانات زیان بدن و سایر مهارت های هنری در ویدیو کلیپ های مختلف انتشار داده است که تنها یکی ازین کلیپ ها طی دو ماه اخیر در یوتیوب دو ملیون و یکصد هزار بازدید داشته است. خبرگزاری بانوان افغانستان در مصاحبه با

مژگان عظیمی نوشته که وی؛ «صدای مظلومیت زنان افغانستان را فریاد می زند، چنانکه خود در برابر پرسشی میگوید:

پاسخ: اتفاقات خشن و غیر قابل توجیه نظیر بهره کشی، فروش دختران، ازدواج‌های زود هنگام، ممنوعیت تحصیل و حضور زنان بدون محارم در جامعه، ضرب و شتم، آزار روحی، چند همسری مواردی هستند که باعث شد صدای خود را بلند کنم و علت اینکه این فریاد به شکل آواز باشد این خواهد بود که جامعه‌ی ما کم کتاب می‌خوانند ولی موسیقی بیشتر گوش می‌دهند.

پرسش: «آیه» آهنگی که در این اواخر همه جا صحبت از صدا، شعر و ویدیو کلیپ‌اش است دوست داریم در مورد ساخت این آهنگ بیشتر بدانیم؟

پاسخ: شعر این آهنگ از اسطوره‌ی قرن فروغ فرخزاد و آقای شهرام فرشید آهنگ ساز توانا است و انگیزه‌ی ساخت و تولید اثری چون «آیه» به سال‌های دور باز می‌گردد، خالق این اثر آقای شهرام فرشید می‌باشد و این اثر با هنرنمایی بازیگران حرفه‌ای افغانستانی که در مجموعه‌ی هنری قلب آسیا فعالیت دارند، به کمال خود رسید نقش‌های کلیدی در ویدیوی این آهنگ را آقای ابراهیم حیدری، خانم عاطفه حیدری و خانم زهرا عظیمی اجرا کرده اند.

پرسش: چه شد که خواستی در آهنگ «آیه» درد زنان افغانستانی را فریاد بزنی و چه تغییری را می‌خواهی به وسیله هنرت در وضعیت زنان به وجود بیاوری؟

پاسخ: تجربه نشان داده است که علی رغم فعالیت‌های فراوان علیه تبعیض جنسیتی در افغانستان، قشر زن همچنان مورد اجحاف قرار می‌گیرند، بناء من معتقدم آنچه که باید تغییر کند در ابتدا افکار عاملان این امر می‌باشد تلاشم بر اینست که به گونه‌ای مسالمت آمیز ارتباطی با قلب‌های عاملان خشونت و تبعیض داشته باشم و امیدوارم بر این هستم که تغییری در افکار و در نتیجه در اعمال بوجود آید.

پرسش: چه کسی حامی و پشتیبان مژگان در زندگی هنری‌اش است؟

پاسخ: در زندگی من بیشترین سهم را در تبدیل یک سری توانایی‌های بالقوه به بالفعل، پدر گرامیم که استاد بزرگ من در تمام زندگی بوده اند؛ داشته اند.

بیانید نگذاریم تبعیض جنسیتی که باعث قربانی شدن بخشی از نسل امروزمان شده است، به نسل بعدی ما به ارث برسد و این امر مهم در گرو آموزش شما مادران جامعه به فرزندانمان می‌باشد، به دختران مان بیاموزیم که خوشبختی شان در گرو هیچ مردی نیست و خود انسانی توانا هستند و به پسران مان بیاموزیم برابری جنسیتی را؛

یعنی زن را انسان قلمداد کردن نه بیشتر نه کمتر.»

اینهم لینک هایی از سرود و موزیک موفق و مؤثر «آیه» دوشیزه رعنا مژگان عظیمی. البته لینک های شبکه های اجتماعی و سایت ها و ویبلاگ های متعدد؛ مختلف و منحصر به هر کدام آنها میباشد:

موزیک ویدیوی دارای نمایش دراماتیک:

<https://www.youtube.com/watch?v=K9zH0fscsfk>

حالت بیشتر آوایی:

<https://www.youtube.com/watch?v=mlt6UxCBC24>

<https://www.youtube.com/watch?v=L8o32kfVWwg>

